

ژروم فراری

پرنسیپ

بهمن یغمائی - ستاره یغمائی



مؤسسه انتشارات نگاه

«تأسیس ۱۳۵۲»

فراری، ژروم، ۱۹۶۸ - م.

Ferrari, Jérôme

پرنسیپ / ژروم فراری؛ ترجمه: بهمن یغمایی، ستاره یغمایی.

تیران: نگاه، ۱۳۹۷.

۱۵۲ ص: ۲۱/۵×۱۰/۵ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۷۶-۳۹۹-۵

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

عنوان اصلی: Le principal roman, 2015.

موضوع:

داستان های فرانسه - قرن ۲۱

French fiction - 21st century

شناسه افزوده: یغمایی، بهمن، ۱۳۲۴، مترجم

شناسه افزوده: یغمایی، ستاره، ۱۳۶۴، مترجم

رده بندی کنگره: ۱۳۹۷ ۴پ۲/۱۴۷۱۴ PQ۲۷۱۴

رده بندی دیویی: ۸۴۳/۶

شماره کتابشناسی ملی: ۵۳۹۶۲۰۰

ژروم فراری

پرفسیپ

بہمن یغمائی - ستارہ یغمائی

ویرایش: دفتر انتشارات نگاہ

صفحہ آرائی: احمد علی پور

نمو، خوانی: سپیدہ طیری

چاپ اول: ۱۳۹۷ شماری: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: انیس چاپ - چاپ: پرمیدا

شابک: ۹۷۸ - ۶۰۶ - ۱۳۹۷ - ۵

حق چاپ محفوظ است.



مؤسسہ انتشارات نگاہ

«تأسیس ۱۳۵۲»

دفتر مرکزی: خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری،

بین خیابان فخر رازی و خیابان دانشگاه، پلاک ۶۳، طبقه ۵

تلفن: ۱۲ - ۶۶۹۷۵۷۱۱، تلفکس: ۶۶۹۷۵۷۰۷

negahpublisher@yahoo.com

●www.negahpub.com ●negahpub ●newsnegahpub

۷.....	پیشگفتار مترجم
۱۷.....	موقعیت ها
۱۹.....	موقعیت ۱: هلیگولند
۲۷.....	موقعیت ۲: دور از خانه، دردشنی از دیرانه ها
۳۷.....	موقعیت ۳: در اتاق ابر
۴۵.....	موقعیت ۴: بین ممکن بودن و واقعیت
۵۷.....	سرعت
۹۹.....	انرژی
۱۳۵.....	زمان

پیشگفتار مترجم

ژروم فراری نه‌مانده کتاب "پرنسیپ" در سال ۱۹۶۸ در پاریس به دنیا آمد و تحصیلات خود را در دانشگاه پاریس در رشته‌ی فلسفه به پایان رسانده است. او مدت‌ها سرروزی‌های معتبر لوموند مقالات فلسفی و اجتماعی نوشته و سپس به مترجمی و نویسندگی می‌پردازد. کتاب خطابه‌ای برای سقوط رم" در سال ۲۰۱۲ جایزه‌ی دنکو را برایش به ارمغان آورد و کتاب‌های دیگر او نیز به ویژه "یک انسان، یک حیوان" و "آنجا که ایمانم را رها کردم" جوایز معتبر دیگری را مثل جایزه‌ی لاندزنو و جوایز رساله‌ها جایزه‌ی کتاب لهستان به خود اختصاص می‌دهد. او چندین سال به تدریس فلسفه در الجزایر و کشورهای دیگر آفریقای شمالی پرداخت و سپس به عنوان استاد فلسفه در دانشگاه ابوظبی مشغول کار شد. "ژروم فراری" به عرفان و فلسفه شرق احاطه داشته و معمولاً کتاب‌های خود را با انتخاب فرازهایی از گفته‌های عرفا و فلاسفه‌ی شرق آغاز می‌کند. این نویسنده در بخش‌هایی از متن نوشته‌هایش نیز از آنان نام برده و افکارشان را برجسته می‌کند. سبک نگارش و تفکرات ژروم فراری در زمان‌هایش بیشتر پیروی از فلسفه‌ی اگزیستانسیالیسم و ژان پل سارتر و آلبر کامو است.

اکثر آثار این نویسنده، مباحث مهم دنیای امروز، جنگ، ترور و خشونت را در بر می‌گیرد. در واقع، کتاب‌های او ضد جنگ، ضد ترور و ضد خشونت است، هرچند که برای ریشه‌یابی و مخالفت با آن صحنه‌های بسیار دردناک و تکان دهنده‌ای را به طور عریان به تصویر می‌کشد. "فراری" به دلیل ارتباط مستقیم یا غیرمستقیم با قربانیان خشونت به ویژه در الجزایر، شخصیت رمان خود را فردی واقعی برمی‌گزیند و از قدرت خلاقه‌ی تخیلی‌اش برای بازتاب رنج و درد بشری به صورت تمام و کمال استفاده می‌کند.

کتاب "پرنسیپ" که یکی از آخرین رمان‌های این نویسنده‌ی پرکار و پرتوان است به سرانجام "ورنر کارل هایزنبرگ" یکی از بزرگ‌ترین نوابع قرن بیستم می‌پردازد. "فراری" برای نگارش این رمان که بار فلسفی سنگینی را به آن اختصاص داده است و بی‌استناد به واقعیت‌های بیشتر، از اتوبیوگرافی این دانشمند و از اختراعات "تئوریت هایزنبرگ" همسر "ورنر" و اسناد موجود در کتاب "جنگ هایزنبرگ" بهره‌ی گزیده.

قسمت سوم کتاب که تحت "انرژی" اختصاص دارد. براساس نوارهای ثبت شده در "فارم هال" است که بین ژوئیه و دسامبر ۱۹۴۵ در اواخر جنگ تهیه و در سال ۱۹۹۳ علنی شد. "فراری" ضمناً گفتگوهای مفصلی با "مارتین" فرزند "ورنر هایزنبرگ" داشته و به نامه‌های این دانشمند برجسته دسترسی پیدا کرده است.

"هایزنبرگ" به دلیل نظریه‌ی مشهور "اصل عدم قطعیت" و "اصل عدم ایقان" خود انقلاب عظیمی در مباحث فیزیک و فلسفه برپا کرد. وی یکی از بنیان‌گذاران اصلی فیزیک کوانتم گردید. هایزنبرگ می‌گوید ما هیچ چیز را به طور قطع نمی‌دانیم؛ به بیانی واضح‌تر، وقتی موقعیت یک ذره را می‌دانیم، درباره‌ی سرعت لحظه‌ای‌اش چیز کمتری می‌دانیم و بالعکس، یا به زبان دیگر: هر قدر موقعیت ذرات دقیق‌تر تعیین شود، سرعت لحظه‌ای آنها کمتر

مشخص می‌شود و برعکس، و سرانجام اینکه غیرممکن است که همزمان، سرعت و مکان الکترون یا هر ذره‌ی دیگری با دقت یا قطعیت دلخواه تعیین شود. در واقع، هایزنبرگ با ارائه‌ی این اصل، مبدع فیزیک کوانتم در قرن بیستم می‌گردد که آخرین خلف او "استیفن هاوکینگ" در قرن بیست و یکم طرح مسئله‌ی با کوانتم گرانشی فرضیه سیاهچاله‌ها و کهکشان‌ها را پیش می‌کشد...

البته هاوکینگ که پیش‌بینی‌های هولناکی درباره‌ی سرنوشت کروی زمین آن هم نه در آینده‌ای چندان دور کرده است برخلاف هایزنبرگ موفق به دریافت جایزه‌ی نوبل نمی‌شود.

"ژروم فراری" که از فلسفه و مفتون فیزیک کوانتیک است، بیوگرافی هایزنبرگ را - که به دلیل خلو مکانیک کوانتیک در سال ۱۹۳۲ و درسی سالگی موفق به دریافت جایزه فیزیک شد - به رشته تحریر درمی‌آورد. رمان به چهار فصل "موقعیت"، "سازمان"، "انرژی" و "زمان" تقسیم و وضعیت هایزنبرگ در آن کمابیش به ترتیب تاریخ زندگی او مشخص می‌گردد، زمانی که پدرش را می‌بیند که عازم جنگ است، روزهای دانش‌آموزی، کشف بزرگش و نهایتاً بازگشت به آلمان.

"فراری" که شیفته‌ی هایزنبرگ و اصل عدم قطعیت او شده است خود را درگیر جهانی می‌کند که جای زخم‌های عمیق ناشی از جنگ را به ارث برده است. او در این رمان، منتقدانه به موشکافی در وضعیت رفاه و فرهنگ اروپایی در قرن بیستم می‌پردازد و آن را وارد صحنه‌ی جهان می‌سازد. تاریخ می‌کند، تاریخی که به طور مداوم در حال تکرار است و بازگشت‌هایی ابدی دارد.

اما "پرنسپ" تماماً موضوع برای یک اتوبیوگرافی فردی نیست. روایتگر، مشخصاً رمان رساله‌گونه‌ی خود را با خطاب قرار دادن شخص هایزنبرگ آغاز می‌کند. قسمت عمده‌ی روایت به صورت دوم شخص نوشته می‌شود، گویی

نویسنده سعی دارد از حاشیه رفتن چشم پوشیده و سریع‌ترو مستقیماً درگیر موضوع شود، هرچند می‌داند "هایزنبرگ" خاموش قادر به پاسخگویی نیست. "فراری" در مورد برخی از کتاب‌های دیگرش نیز از جمله "یک انسان، یک حیوان" و "آن جا که ایمانم را رها کردم" از همین شیوه بهره می‌گیرد. به نظر می‌رسد "فراری" علاوه بر استفاده از روش فوق قدم به قدم با "اصل عدم قطعیت" همراه است تا تأثیر بیشتری بر خواننده بگذارد.

نویسنده از میان زندگی غیرعادی هایزنبرگ نیز عبور می‌کند. "پرنسیپ"، در ضمن بیوگرافی محکمی است که در آن چهره‌های برجسته‌ی دیگری نظیر انیشتاین، آرتان، هانس اولر، اوپنهاইمر، هایدگر^۱ و... نیز ظاهر می‌شوند. مسئله‌ی دیگر اروپا و نقطه‌نظراتی که درباره‌ی آنها وجود داشته است به تصویر کشیده می‌شود. یهودیانی که تعداد کثیری از اروپایی‌ها معتقد بودند حتی اشاعه‌ی ارضیات سطرطاعون کار آنهاست و به این دلیل در قرون وسطی آنها را شدیداً مورد آزار و اذیت قرار می‌دادند.

نویسنده‌ی نقش ذهنی هایزنبرگ و خطاب مستقیم به "هایزنبرگ" را نیز در نظر می‌گیرد که در آن جزئیاتی از جنگ اول و دوم جهانی نهفته و چشم‌انداز وسیع‌تری را در قسمت عمده‌ی قرص به رمان می‌دهد. این مسئله، داستان را زنده‌تر کرده و در آن روح بیشتری می‌دمد.

چگونگی اقامت "هایزنبرگ" در آلمان نازی و رجوع این حقیقت که او پس از به قدرت رسیدن نازی‌ها در آلمان باقی می‌ماند و در تلاش آن‌ه برای ساختن یک بمب اتمی مشارکت می‌کند منجر به بحث‌های اخلاقی و سوال برانگیز فراوانی می‌شود که امروزه نیز هرازگاهی به آن اشاره می‌شود. "فراری" در این

۱. Martin Heidegger, (1889-1976) از معروف‌ترین فلاسفه‌ی قرن بیستم. او با شیوه‌ای نوین به تأمل درباره وجود پرداخت. هستی و زمان کتابی از هایدگر است که برخی آن را مهم‌ترین اثر فلسفی قرن بیستم می‌دانند. هایدگر در سال ۱۹۳۳ به حزب نازی پیوست و تا پایان جنگ به عنوان یکی از اعضای آن باقی ماند و هرگز از این بابت عذرخواهی نکرد.

رمان در نظر دارد این تصمیم را مثبت نشان دهد، ولی در هر حال باید دید چگونه فردی مثل هایزنبرگ که در زیبایی فیزیک و ریاضیات، غرق شده و عاشق هنر و خانواده است می‌تواند در دوران جنگ، از تلاش نازی‌ها در ساخت بمب اتمی حمایت کند. این سؤال است که انسان معاصر از هایزنبرگ و تاریخ می‌پرسد، تاریخی که به قول هگل به ما می‌آموزد که از تاریخ نیاموزیم و هایزنبرگ هم که دیگر وجود خارجی ندارد، ولی با وجود این، همین سؤال است که رمان را خاطره انگیز می‌کند.

"فراری" در واقع در بررسی و تحقیق در باب ماهیت شیطانی و عملیات توطئه‌گرانه‌ی انسان باایی که در شبکه‌ی زمانی جنگ جهانی دوم گرفتار شده‌اند داستانی را می‌افزاید که پیام محکمی با خود دارد. انسان، توانایی آن را دارد که زیبایی خلق دهند، اما در زمان حال آنقدر توانمند است که دست به تخریب‌های هولناک بزند. حتی اگر این تخریب، خود بشریت باشد. شاید کار بر روی بمب اتم از طرف هایزنبرگ باعث شده که زیبایی زندگی به خطر افتد، در اینجا است که "فراری" از قضاوت خنثی می‌کند و در عوض قصدش از نگارش این داستان جارو کردن یا از بین بردن تمام عیار روح یک انسان نیست. او با این رمان دلچسب و سزاوار اندیشه، مسیر زیبایی و زشتی را در دنیای ما در کنار هم قرار می‌دهد. در این کتاب صدای ناقوس مرگ بشریت به گوش می‌رسد، نوشته‌ای است چالش انگیز که تخریب لحظه به لحظه‌ی جهان را نشان می‌دهد. جمعیت بیش از حد، خطر جنگ هسته‌ای، استفاده پیاپی از سلاح شیمیایی، فاشیسم، سرمایه داری، افسارگسیخته‌ی معاصر، بحران‌های اقلیمی، همگی در این رمان رساله‌مانند، به طور مستقیم یا غیر مستقیم نقش دارند. فیلسوف جوان با زندگی ورنر هایزنبرگ دست به گریبان است، رویدادهای تاریخی تاریک در اوایل قرن بیستم را با کارهای تئوریک هایزنبرگ در هم می‌آمیزد و ناامیدانه می‌کوشد به

مرحله‌ای از ادراک دست یابد که چگونه مردی با ذهن زیبا می‌تواند در
 سبعیت دنیایی از هم گسیخته و خرد شده شرکت کند.

ساختار داستان که براساس نامه‌ها، نقل قول‌های اطرافیان و اسناد
 است، اطلاعات کاملی را نیز درباره‌ی شخصیت و زندگی فیزیکدان‌های
 معروف آن زمان (پلانک، سومرفلد، پاولی، بوهر، شرودینگر، اتوهان و...) به
 دست می‌دهد که توسط متفکین در اواخر جنگ و در سال ۱۹۴۵ طی
 عملیات "اپسیلون" دستگیر و در "فارم‌هال" نزدیک کمبریج زندانی شدند.
 این توصیفات در روند این رمان نقش بسیار مهمی دارند. حضور این گروه در
 این محل به معیت غیرعادی آنها که به خوبی شرح داده می‌شود باعث
 خلوت این رمان عجیب شده است.

"فرار" در این کتاب نیز همانند "آنجا که ایمانم را رها کردم" و "یک
 انسان، یک سیوان"، قلب اهریمنی دیگر سفر می‌کند و راجع به دانشمندی
 سخن می‌گوید که در پی اکتشافات خود و ماهیت جهان از "شانه خدا
 می‌نگرد" و می‌بیند که در میان قشر نازی از اشیاء، مکانی وجود دارد که در آن،
 مادیت ذوب می‌شود. نویسنده خود به عنوان بازیگر عمده و فیلسوف جوانی
 است که در جهانی پراز آشوب حرکت می‌کند. و سال‌ها پس از وقایعی که در
 زندگی هاینرگ رخ داده است به آن می‌نگرد. اروهای اهریمنی و تاریکی
 که اروپا را در سال ۱۹۱۴ تخریب کرد از زیر خاک پنهان می‌آورد. دورانی که در
 آن آشکار شد خدا، علاوه بر نقش‌هایش خدای ترس و وحشت، راوی، خود با
 وحشت نظاره‌گر آن است که هاینرگ به تدریج و در نهایت در تلاش نازی‌ها
 برای ساخت بمب اتمی درگیر می‌شود، هرچند که او حامی آن نیست اما در
 برنامه‌ی اتمی‌اش آدم فعالی است تا این تیغ برهنه در کف زندگی مست قرار
 گیرد. او همانند "ایکاروس" است، پرنده‌ای که در اساطیر یونان بال‌هایش با
 موم به بدنش چسبیده است و هنگام فرار از جزیره‌ی کرت نمی‌تواند ارتفاع
 پرواز خود را محدود کند، آنقدر اوج می‌گیرد تا گرمای خورشید موم‌ها را آب
 می‌کند و ایکاروس به دریا سقوط می‌کند و غرق می‌شود.

اثر رساله مانند نویسنده درباره معمای "هایزنبرگ"، جسورانه و غیرمعمول است که بخشی از آن به صورت اتهام، بخشی دفاعیه و بخشی به صورت سؤال و جواب مطرح می شود گویی "اصل عدم قطعیت" نوعی وسیله‌ی دوتل است که درباره‌ی شخصیت این کتاب به کار می رود.

زیبایی فوق العاده زبان "فراری" با هوش شاعرانه اش در کتاب به خوبی کار می کند، به او اجازه می دهد به دنیای ناشناس و خصمانه‌ی فیزیک کوانتم وارد شود. در آن شیرجه رود و تجربه‌ای کاملاً غیرقابل انتظار را در پیوند فیزیک و ادبیات به ارمغان آورد. او، میان علم و ادبیات، با زیبایی فراموش نشدنی و توانایی ژرف خرد در این روایت کوتاه و سنگین، و علی رغم محدودیت زبان در تشریح کوانتم، به غور ماهرانه پلی برقرار می کند. "فراری" با اندیشه‌ای زیبا و پویا می گوید که چگونه حتی روشن ترین انسان ها می توانند در درون خویش این امکان را به وجود آورند که خود را با اهریمن برای نابودی وفق داده و با او همسو شوند.

توانایی نویسنده در مورد دقیق زستن، غنا سرایی ظریفش برمی گردد که از همان اولین جملاتش همراه با سؤالات متافیزیکی مشخص می شود، طوری که خواننده با دریافت این ترکیب به تکاپو شور و شعف می افتد. کشف گیج کننده‌ی هایزنبرگ در "اصل عدم قطعیت" در لحظه‌ای که او زیبایی آن را به عنوان دسترسی به آفرینندگی خدا می داند، آنگاه نتیجه اش که خلق بمب اتمی و تخریب است در تقابل قرار می گیرد. به طوری که زیبایی مفتون کننده و وحشت سرگیجه آور هرگز در این رمان از یکدیگر دور نمی شوند. "فراری" در بخش هایی از کتاب از آتن و مدینه‌ی فاضله و معبد دمی، دانگ و خداوندگار آن یاد می کند. این معبد که در نزدیکی آتن است محل استقرار سقراط بوده و نقش مهمی در جایگاه فلسفی و اسطوره‌ای یونان دارد. نویسنده بارها به واژه‌های کلیدی مانند شانه‌ی خدا، رز سفید، صدای غیرقابل شنیدن، ریسمان یا نخ نقره‌ای اشاره می کند که هر کدام مفهوم خاص خود را دارد.

شروع و پایان کتاب با چشم انداز باشکوهی همراه است. در آغاز کتاب از جزیره‌ی هلیگولند است، جایی که متروکه است و هیچ گیاهی در آن نمی‌روید، در آنجا هاینرک "از شانه خدا نگاه می‌کند" و بعد از بازگشت به آلمان در پایان جنگ دوم به کوهستان‌ها و دریاچه‌ها باز می‌گردد "جایی که امکان ندارد بتوان برای عشق به خدا دروغ گفت"، اینها صحنه‌های زیبایی است که نویسنده خلق کرده است.

سؤالات متافیزیکی و ضرورت آشتی بین روح انسان و زیبایی اسرارآمیز جهان، مدت‌ها پس از خواندن کتاب بازهم در اندیشه و ذهن باقی می‌ماند و خواننده هم در جستجوی پاسخی برای آنها است.

لازم ذکر است که پانویس‌های داخل کتاب، توضیحاتی است که مترجم برای فهم بهتر وارجاعات اضافه کرده است.